

تثش سیره و شخصیت رسول الله صلی الله علیه وآله

در گسترش اسلام در دوران بعثت

دکتر اصغر منتظر القائم^۱

چکیده

دوران سیزده ساله‌ی بعثت نبوی، طی سه مرحله: دعوت مخفیانه، دعوت خویشان و اقوام و دعوت علنی و عمومی، با موفقیت ادامه یافت و اقشار بسیاری، به ویژه جوانان مکه، به رسول الله صلی الله علیه وآله گرویدند. سران قریش و مشرکین که حیات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی خود را در خطر دیدند، با تکیه بر تعصبات قومی و فرهنگی جاهلی و گذشته‌گرایی، به شدت به مقابله با آن حضرت پرداختند و از هیچ کوششی اعم از شکنجه و تهمت‌های ساحری، کهانیت، جنون و شاعری نسبت به وی و یارانش دریغ نکردند.

ادامه‌ی نهضت و بنیان یک جامعه‌ی دینی در این مسیر دشوار و پرخطر، جز با یک برنامه‌ریزی هدفمند ممکن نبود. لذا رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله برای رسیدن به اهداف عالی خود، به وسیله‌ی ابزارها و اقداماتی بر موانع و مشکلات سهمگین و شکنجه‌های طاقت فرسای این دوران فایق آمد.

اهم اقدامات رسول الله صلی الله علیه وآله عبارتند از: ۱- سالم‌سازی و تربیت نیروی راستین مدافع اسلام؛ ۲- ارتقای سطح آگاهی و بصیرت مسلمانان نخستین؛ ۳- اخلاق و شخصیت معنوی و ظاهری رسول الله صلی الله علیه وآله؛ ۴- صبر و پایداری و استقامت در برابر مشکلات و موانع؛ ۵- قرآن کریم، معجزه‌ی رسول خدا صلی الله علیه وآله؛ ۶- گفتگوی احسن و

^۱ . عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان .

گفتار نیکو در برخورد با مخالفان؛ ۷ - هماهنگی گفتار با کردار و تبلیغ با عمل از سوی رسول الله صلی الله علیه و آله؛ ۸ - هدفمندی و برنامه‌ریزی دقیق؛ ۹ - کادرسازی از جوانان مگه؛ ۱۰ - استعانت و یاری از خداوند در برابر مشکلات و موانع. **واژه‌های کلیدی:** رسول الله صلی الله علیه و آله، بعثت، اخلاق، کادرسازی، جوانان، گفتگو، استقامت.

مقدمه

در مقاله‌ی پیش رو تلاش بر آن است تا نقش سیره و شخصیت رسول الله صلی الله علیه و آله در دوران بعثت مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است و داده‌های تاریخی با استفاده از منابع دست اول فراهم شده است. دوران بعثت نبوی سیزده سال به طول انجامید و رسول الله صلی الله علیه و آله طی آن افراد مستعد و آماده‌ی قبول دعوت را با خلقتی عظیم و شیوه‌ای پسندیده و با مهربانی و سخنان حکمت‌آمیز همراه با خواندن، قلم و تعلیم و تعلم به کلمه‌ی طیبه «لا اله الا الله» و دوستی و محبت به خداوند رهنمون می‌گشت. این دوران دارای مشخصات و ویژگی‌های خاصی است که در این مقاله به اجمال به آنها پرداخته می‌شود.

ویژگی‌های دوران بعثت

الف - شکل، شیوه و مراحل دعوت

شکل و شیوه و مراحل دعوت رسول الله صلی الله علیه و آله در سه مرحله انجام گرفت:

۱ - مرحله‌ی دعوت مخفیانه و عضوایی انفرادی برای انسان‌سازی و تربیت اخلاقی که نتیجه‌ی آن استحکام بنیادهای نهضت اسلامی با پنجاه نفر^۱ هوادار استوار و مقاوم بود.

۲ - با نزول آیه‌ی: **وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ**^۲، مرحله‌ی دعوت اقوام و خویشان به نام «یوم الدار» انجام گرفت که نتیجه‌ی آن تبیین مسأله‌ی جانشینی و

^۱ . این هشام، السیرة النبویة، القسم الاول، ص ۲۵۰.

^۲ . شعراء / ۲۱۴. ترجمه: «نخست، خویشان نزدیک خودت را بترسان.»

وصایت بود، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فَيَكُم فَاَسْمَعُوا لَهُ وَاطِيعُوا»؛ «این برادر و وصی و خلیفه‌ی من در میان شماست، از او فرمان برید و به گفته‌ی وی گوش فرا دهید.»^۱

۳- مرحله‌ی دعوت علنی و عمومی که از سال چهارم تا سال چهاردهم بعثت ادامه داشت و نتیجه‌ی آن گسترش اسلام و نفوذ آن به یثرب و خارج از شبه جزیره بود.

ب - مقابله‌ی سران قریش

مقابله‌ی مترفین و دانه‌درشت‌های مکه با نهضت اسلامی در سوره‌ی مَسَد ذکر شده است. سران قریش با تکیه بر گذشته‌گرایی و سنت‌گرایی، در قالب بت‌پرستی و اخلاق و فرهنگ جاهلی و برتری امتیازات مادی و کثرت ثروت و نیروی انسانی، با اسلام و رسول الله صلی الله علیه و آله مبارزه می‌کردند. قرآن در این باره می‌فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ * وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ^۲؛ «و ما نفرستادیم رسولی را در شهری مگر آن که ثروتمندان عیاش آن دیار گفتند ما به رسالت شما کافر هستیم، زیرا ما بیش از شما مال و فرزند داریم و هیچ رنج و عذابی نخواهیم دید.»

قرآن در جایی دیگر می‌فرماید:

إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَ عَلِيٍّ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ^۳؛ «ما پدران خویش را بر راهی یافتیم و هر آینه از نشان‌های آنان پیروی می‌کنیم.»

مخالف سران قریش با رسول الله صلی الله علیه و آله، از جمله ابوسفیان، ابولهب، ابو جهل و امیه بن خلف و ولید بن مغیره، ناشی از آن بود که اینان بت را سمبل فرهنگ حاکم قرار می‌دادند و علل مخالفت آنان ناشی از موارد زیر بود:

- ۱- شریان حیات فرهنگی اشراف از ناحیه‌ی بت‌ها و بتکده‌ها و قداست کعبه بود.
- ۲- به خطر افتادن مقام‌های اجتماعی و اقتصادی که اشراف برای خود کسب کرده بودند.

^۱ . طبری، تاریخ، الجزء الثانی، ص ۶۳.

^۲ . سبأ / ۳۴ - ۳۵.

^۳ . زخرف / ۲۲ - ۲۳ و مانند ۱۰۴.

۳- دعوت به خدای واحد به معنای برابری و وحدت اجتماعی همه‌ی انسان‌ها بود و غنی و فقیر در کنار هم سر بر آستانه‌ی خدای بی‌نیاز به خاک می‌ساییدند و اقرار به توحید، به معنای پذیرش برابری و مساوات و ندای توحید بود و این برای مترفین و شیوخ قریش ممکن نبود، زیرا قبول اسلام به معنای لغو امتیازات اقتصادی، اجتماعی و لغو مالکیت تجاری و برده داری بود که در حد وسیعی عدالت و مساوات را از بین برده بود و شهر مکه را به سوی انحطاط اخلاقی پیش می‌برد. لذت جویی، عیش و عشرت، زنان را به عاریت دادن، غرور و خودپسندی، زران‌دوزی، افزون‌طلبی و انسان‌ها را به قربانگاه بردگی بردن و تعصبات جاهلی، از ویژگی‌های برجسته‌ی اشرافیت مکه بود و اقرار به رسالت توسط اشرافیت مکه تمامی امتیازات و جبروت و پایگاه قدرت سیاسی و اجتماعی آنان را نابود می‌کرد و به همین سبب با تمام قوا در مبارزه به ندای اسلام و رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله کوشش می‌کردند.

ج - شیوه‌ی مبارزاتی سران قریش

از دیگر مشخصات دوران مگگی، شیوه‌ی مبارزاتی سران مکه در برخورد با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. پس از آشکار شدن دعوت عمومی، مشرکان با شیوه‌های گوناگونی به مبارزه با آن حضرت پرداختند، از آن جمله:

۱- شکنجه‌ی یاران رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و خود وی و سرانجام تصمیم بر قتل آن حضرت.

۲- تطمیع رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله آن گونه که به آن حضرت گفتند: «به تو پادشاهی خواهیم داد».

۳- تهمت‌های گوناگونی که به آن حضرت می‌زدند؛ همچون کهانت، جنون، شاعری،^۱ سحر و ابتر بودن؛ آن گونه که «رُکانه بن عبد» رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله را بزرگ‌ترین ساحر خطاب کرد^۲ و عاص بن وائل وی را ابتر لقب داد و به همین علت، خداوند سوره‌ی کوثر را نازل فرمود.^۳

^۱ . طور / ۲۹ و ۳۰.

^۲ . ابن هشام، السیرة النبویة، القسم الاول، ص ۳۹۱.

^۳ . بلاذری، انساب الاشراف، الجزء الاول، ص ۱۵۷.

۴ - تشنج آفرینی و غوغا سالاری علیه رسول الله صلی الله علیه و آله؛ آن گونه که ابولهب و ابوجهل و سران ثقیف به آن دست می زدند.

۵ - حرکت های ضد تبلیغی و مبارزه ی فرهنگی با آن حضرت؛ به طوری که نضر بن حارث رسول الله صلی الله علیه و آله را به اسطوره گویی متهم می کرد.^۱

۶ - ایجاد تنگناهای اقتصادی و سیاسی و نظامی علیه آن حضرت؛ همچون ارسال عمرو بن عاص به دربار حبشه برای بازگرداندن مسلمانان و حملاتی که سران مکه به شعب ابوطالب می کردند.

د - اقدامات رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱- تخریب فرهنگ بت پرستی و اخلاق جاهلی.

۲- تصحیح آداب و رسوم و سنن جاهلی.

۳- تهذیب جانها و روان های مسلمانان نخستین با عبادت و تلاوت قرآن.

۴- کادرسازی و تکوین فکری مسلمانان نخستین.

در آن شرایط سخت و طاقت فرسا، ادامه ی نهضت و بنیان یک جامعه ی دینی بدون یک کادر نیرومند و تربیت شده ممکن نبود. به همین سبب، رسول خدا صلی الله علیه و آله نیروی توانمندی را از جوانان مکه برای آینده ی نهضت خود آماده ساخت.

۵- مبارزه با خرافات شرک آلود قریش.

۶ - حرکت برای اصلاح و سامان بخشیدن انحطاط جامعه ی مکه؛ آن گونه که قرآن کریم اصلاح طلبی را یک شأن از شئون پیامبری دانسته است.^۲

علل موفقیت رسول خدا صلی الله علیه و آله

علل موفقیت و پیروزی رسول الله صلی الله علیه و آله در دوران بعثت عبارت بود از:

۱ . ممان، ص ۱۵۹.

۲ . هود / ۸۸.

۱- ارتقای سطح آگاهی و بصیرت مسلمانان

رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ گاه به نفرین و درخواست عذاب برای مشرکان و نیز به زر و تزویر متوسل نشد و همچون دیگر پیامبران پیش از رسیدن به قدرت سیاسی، مبارزه اش فرهنگی و سیاسی بود. آن حضرت، پیامبر عقل و بصیرت و شکوفایی استعدادها و جدال احسن بود. همان گونه که در نخستین آیات، سوره ی علق و قلم، خواندن و قلم و دانش و بصیرت به عنوان شعار اصلی اسلام طرح گردید. این آیات مشت محکمی است بر دهان ژاژخایانی که اسلام را از تعقل و تفکر و دانش دوستی و خردورزی دور می پندارند که در هیچ یک از ادیان بزرگ و کتب آسمانی این اندازه برای معرفت آموزی اهمیت قایل نشده اند و هیچ دین و تفکر بشری را نمی توان یافت که در آغاز آن علم و معرفت و خرد، این اندازه ارزش و اهمیت داشته باشد. قرآن کریم می فرماید:

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ^۱؛ «بگو راه من و پیروانم خواندن به سوی خدا و بر بینایی و بصیرت استوار است و خدا را از شرک منزّه دانم و هرگز به خدا شرک نورزم.»

رسول الله صلی الله علیه و آله در دوران بعثت گام های بلندی در مسیر رشد و ارتقای سطح علمی و فرهنگی یاران خود برداشت، زیرا در پرتو نور علم، آنان به درک بالای فهم مسایل دینی و قدرت تجزیه و تحلیل مسایل اجتماعی و فرهنگی دست می یافتند. آن گونه که قرآن کریم می فرماید: «بگو آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابرند؟»^۲ بدین سان رسول الله صلی الله علیه و آله راه حرکت علمی و رشد و تعالی مسلمانان را از دوران بعثت برای همیشه هموار ساخت.

۲- اخلاق و شخصیت معنوی و ظاهری رسول الله صلی الله علیه و آله

اخلاق آن حضرت قرآنی بود و در میان مردم بهترین اخلاق را داشت. سیمای او دارای چهره ای گلگون، چشمانی درشت و مشکی، موهای سرش انبوه و نسبتاً صاف و گونه هایی هموار داشت. دست و پایش ستبر بود و

^۱. یوسف / ۱۰۸.

^۲. زمر / ۹.

بینی‌اش کشیده و باریک، دندان‌های او بسان نقره می‌درخشیدند. قامتی معتدل

داشت که نه بلند بود و نه کوتاه و نه چاق بود، نه لاغر.^۱

خوی خوش و مهربان و ظاهر زیبا و آراسته‌ی آن حضرت، بر خلاف اخلاق تند و خشن اشراف، در روح و روان اعراب تشنه‌ی محبت و اخلاق تأثیر گذار بود و هدایت‌ها و جذبه‌های اخلاقی و معنوی آن حضرت در برابر خشونت و شکنجه‌ها و ناسزاهای اشراف در جذب مردم به اسلام تأثیر بسزایی داشت؛ آن گونه که قرآن شخصیت آن حضرت را اسوه معرف کرده است:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا^۲؛ «البته، در رسول الله اقتدا و الگویی نیکوست برای شما؛ اگر کسی به خدا و روز آخرت امیدوار باشد و خدا را بسیار یاد کند.»

رسول الله صلی الله علیه و آله در طول رسالت خود انقلاب اعتقادی عمیقی را در شریان حیات فرهنگی مردمی که از مراتب اخلاق پسندیده و فرهنگ و تمدن غنی محروم بودند، پدید آورد. پایه‌های شرک و بت پرستی را واژگون کرد و توحید کامل را نشر داد و با تهذیب جان و روان پیروان خود به وسیله‌ی نماز، انسان‌های مؤمن، ایثارگر و فداکار در راه اهداف عالی انسانی خود تربیت کرد. وی مظهر کامل اخلاق بود و شخصیت او در دیده‌ی مسلمانان چنان عظیم بود که آنان را شیفته و مجذوب خود کرده بود و همانند پروانه گرد شمع وجودش می‌چرخیدند و عاشقانه به فرمان او در راه خدا جانبازی می‌کردند؛ به گونه‌ای که «عروه بن مسعود»، سفیر قریش نزد آن حضرت، گفت: «هرگز پادشاهی را ندیده‌ام که در میان یاران خود آن قدر محبوبیت داشته باشد که محمد صلی الله علیه و آله در میان اطرافیان خود دارد. صدای خود را در حضور وی بلند نمی‌کنند و به هر کاری فرمان دهد، فوری انجام می‌دهند.»^۳

قرآن وی را چراغ فروزان^۴ و تجلّی رحمت الهی بر جهانیان دانسته و

^۱ . ابن سعد، الطبقات الكبرى، المجلد الاول، صص ۳۶۴ و ۴۱۵؛ قتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۳۲.

^۲ . احزاب / ۲۱.

^۳ . واقفی، المغازی، الجزء الثانی، ص ۵۹۸.

^۴ . احزاب / ۶۴.

شفقت، مهربانی و خوی خوش او را از الطاف بی‌کران خدا دانسته است و

خطاب به آن حضرت می‌گوید: «اگر تندخو و سخت‌دل بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و از خدا برای آنها طلب آمرزش کن و برای دل‌جویی آنان در کارها مشورت نما.»^۱

علی علیه‌السلام در وصف رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌گوید: «طیبٌ دَوَّارٌ بَطِّبَهُ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ؛ «طیبی است که همواره برای معالجه گردش می‌کند و مرهم او بهترین درمان بیماری است.» «این طیب روحانی با داروی خود دل‌هایی را جوید که در غفلت و حیرت هستند.»^۲

قدرت تحمل، محبت، نوع دوستی و دلسوزی وی چنان بود که وقتی یارانش تقاضا کردند قبیله ثقیف را نفرین کند، فرمود: «خدایا، ثقیف را هدایت فرما و آنان را در زمره‌ی ما درآور.»^۳ و در پاسخ تقاضای «طفیل بن عمرو دؤسی» که تقاضا کرد قومش را نفرین کند، فرمود: «خدایا، قوم او را هدایت فرما!»، چون بار دیگر در مدینه به حضور آن حضرت شرفیاب شد، با هفتاد خانواده‌ی مسلمان آمد.^۴

گذشت و مهربانی او چنان بود که صفوان بن أمیه، از سران قریش که «عمیر بن وهب» را برای کشتن آن حضرت به مدینه فرستاده بود، هنگامی که از او دو ماه مهلت خواست تا اسلام آورد، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چهار ماه مهلتش داد. آن حضرت به فرد فرد مبلغان خود چنین دستور می‌داد: «در کارها بر مردم آسان بگیر و سخت مگیر، نوید دهنده باش و مردم را پراکنده مکن.»^۵ «اسلام دینی متعادل است، در انجام دستورات آن با مدارا رفتار کنید.»^۶

آن حضرت همواره به یاران خود می‌فرمود: «محبوب‌ترین شما نزد من در

^۱ . آل عمران / ۱۵۹ .

^۲ . علی علیه‌السلام، نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه‌ی ۱۰۷، ص ۳۲۱ .

^۳ . واقدی، المغازی، الجزء الثالث، ص ۹۳۷ .

^۴ . ابن سعد، الطبقات، المجلد الرابع، ص ۲۳۸ .

^۵ . ابن هشام، السیرة النبویة، القسم الثانی، ص ۵۹۰ .

^۶ . ابن الاثیر، أسد الغابه، الجزء الاول، ص ۱۴۸ .

روز قیامت، نیکو خلق‌ترین شماسست.^۱ و به فرزندان عبدالمطلب گفت: «سلام را آشکار کنید، با خویشان نیکی نموده، شب زنده داری کنید، خوراک بدهید و

^۱ . یعقوبی، تاریخ، المجلد الثانی، ص ۹۴ .

خوش سخن باشید تا به سلامت داخل بهشت گردید.»^۱ همچنین فرمود: «انَّ خَيْرَكُمْ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقاً»؛ «بهترین شما خوش خلق‌ترین شماست.» بیش از همه کس نسبت به کودکان شفقت می‌کرد و چون به نزد آنان می‌آمد، به آنها سلام می‌کرد،^۲ با آنها انس می‌گرفت و با شادابی رفتار می‌نمود و حسن و حسین علیهم‌السلام را به آغوش و بردوش خود می‌گرفت.

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله تجلی بخشندگی بود؛ به گونه‌ای که شش هزار اسیر پیکار خُنین را بخشید. در فتح مکه، روزی در حال طواف خانه‌ی کعبه «فَضَالَةُ بِنِ عُمَيْرٍ» تصمیم به قتل آن حضرت گرفت. چون رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله او را مشاهده کرد، فرمود: «تَوْ فَضَالَهُ هَسْتِي؟» گفت: آری. فرمود: «پیش خود چه فکری داشتی؟» پاسخ داد: مشغول ذکر خدا بودم. حضرت تبسمی کرد و به او فرمود: «از خدا آمرزش بخواه.» سپس دست مبارکش را روی قلبش گذاشت تا آرام گرفت. بعدها فضاله می‌گفت: به خدا سوگند، هنوز دست مبارکش را برنداشته بود که احساس کردم او محبوب‌ترین خلق خدا در نزد من است.^۳

همچنین مالک بن عوف نصری، فرماندهی مشرکان در پیکار خُنین، پس از آن که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله او را بخشید، چنین سرود: «میان مردم مثل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله ندیده و نشنیده‌ام. اگر از او عطا و بخشش بخواهند، از همه بخشنده‌تر و وفادارتر است.»^۴

از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده: «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سخی‌ترین مردم بود و سخی‌ترین همه‌ی اوقات در ماه رمضان بودی.»^۵ و از آن حضرت روایت شده:

^۱ . ممان، ص ۹۲.

^۲ . ابن سعد، الطبقات، المجلد الاول، ص ۳۷۷.

^۳ . ممان، ص ۳۸۲.

^۴ . ابن هشام، السيرة النبوية، القسم الثاني، ص ۴۱۷.

^۵ . واقدي، المغازی، الجزء الثالث، ص ۹۵۴.

^۶ . سعيد الدين محمد بن مسعود كازروني، نهاية المسؤول في رواية الرسول، جلد اول، ص ۳۴۲.

«سخاوتمند نزدیک به خدا، نزدیک به مردم، نزدیک به بهشت و دور از آتش است.»^۱ بر خلاف بخشندگی عظیم وی، در زندگی چنان بر خود سخت می‌گرفت

^۱ . یعقوبی، تاریخ، المجلد الثانی، ص ۹۲ .

که شب‌های پیاپی گرسنه می‌خوابید و خانواده‌اش هم غذایی نداشتند و عموماً نان آنها جوین بود.^۱ هیچ گونه تجملی در زندگی نداشت و بسیار کم خرج بود و متکای او از چرم بود که از لیف خرما پر شده بود.^۲

علی علیه‌السلام درباره‌ی سیره‌ی آن حضرت می‌فرماید: «با شکم گرسنه از دنیا رفت و با سلامت به آخرت وارد شد. وی سنگی بر روی سنگی نگذاشت تا هنگامی که دعوت حق را اجابت کرد.»^۳ در هنگام رحلت تنها از زر و سیم دنیا هفت دینار نزد وی بود و دستور داد تا عایشه آنها را به علی علیه‌السلام بدهد تا میان تهیدستان تقسیم کند.^۴ آری، او پیام آور رحمت بود و کینه و عداوت را با مهر و محبت پاسخ می‌داد و این گونه روابط انسانی را با شمیم عطر آگین صفا و دوستی، زیبایی بخشیده بود و بال مرحمت بر پیروان با ایمان خود گسترده بود.^۵ اگر چه از جنس بشر بود، ولی از فرط محبت و نوع پروری سختی‌های مردم بر او گران می‌آمد و بر نجات آنان حریص و به مؤمنان رئوف و مهربان بود.^۶ او عزیزی شفیق بود و با هدایت و راهنمایی خود اعراب را از کارهای زشت و تعهدات و سنن تحمیلی که همچون غل و زنجیر آنان را در بند کرده بود، بر حذر می‌داشت.^۷ وجود او نعمت و احسان بزرگ خداوند به بشریت بود، زیرا او مظهر و تجلی اخلاق نیک بود و خداوند او را به خلقی عظیم آراسته بود؛^۸ همان گونه که خود می‌فرمود: «من برای تکامل اخلاق و محاسن آن مبعوث شدم.» و می‌فرمود: «حَسَنَ الْخُلُقِ خُلِقَ اللَّهُ

^۱ . ابن سعد، الطبقات، المجلد الاول، ص ۴۰۰.

^۲ . ممان، ص ۴۶۵.

^۳ . علی علیه‌السلام، نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه‌ی ۱۶۹، ص ۵۱۲.

^۴ . ابن سعد، الطبقات، المجلد الثاني، ص ۲۳۷.

^۵ . شعر / ۲۱۵.

^۶ . توبه / ۱۲۸.

^۷ . اعراف / ۱۵۷.

^۸ . قلم / ۴.

الأعظم^۱؛ «نیک خوئی، خلق بزرگ خداوند است.» آری، آن حضرت عزیزی بود

^۱. نهج الفصاحه، ص ۲۸۸، شماره ۱۳۷۲.

که جسم و جان، فکر و ذکر و باطن و ظاهرش، همه، معرفت و محبت و غرق دریای نور بود.

۳- پایداری، صبر و استقامت در برابر مشکلات سهمگین و شکننده

تحمل تهمت‌ها و مشکلات سخت، استهزا، تطمیع، تهمت ساحری و شاعری، طوفان مصایب و شکنجه‌ها، محاصره‌ی اقتصادی و زخم برداشتن در سفر به طائف، جز با پایداری و ثبات قدم، ممکن نمی‌شد. قرآن، رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله را به پایداری دعوت کرده و می‌فرماید:

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ؛^۱
«صبر کن و صبر تو برای رضای خداست و اندوهگین مشو بر ایشان و از مکر و حيله‌ی آنان دلتنگ مباش.»

همچنین می‌فرماید:

وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا؛^۲ «شکیبا باش بر آنچه می‌گویند و از آنان به سختی دوری کن.»

۴- قرآن کریم، معجزه و کارنامه‌ی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

بزرگ‌ترین معجزه‌ی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله قرآن بود، زیرا دشمنان آن حضرت در برابر این سلاح برآن دستور تحریم شنیدن قرآن را صادر کردند؛ آن‌گونه که می‌فرماید:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ؛^۳ «آنان که کافر شدند، گفتند: گوش به قرآن فرانهید، آن را یاوه گوید، شاید بر آن چیره شوید.»

دستور منع شنیدن قرآن از سوی سران قریش، نشانه‌ی تأثیر این کتاب بلند مرتبه است، زیرا قرآن، کتاب حکیم، حمید^۴، فرقان و جداکننده‌ی حق و باطل

^۱ . نحل / ۱۲۷.

^۲ . مزمل / ۱۰. خداوند در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی انعام، رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله را همچون پیغمبران پیشین، به پایداری دعوت می‌کند.

^۳ . فصّلت / ۲۶.

^۴ . ممان، ۴۲.

است^۱ و هیچ باطلی در آن راه ندارد و نسخ پذیر نخواهد بود و برای همیشه

^۱ . بقره / ۱۸۵ .

جاودان خواهد بود.^۱ قرآن نوری است که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است.^۲ تا همه‌ی ابعاد زندگی انسان‌ها روشن گردد، کتاب هدایت مردم و روشن کننده‌ی حقیقت هر چیزی و رحمت و بشارت است.^۳ این کتاب مردم را به سوی حق و به راه راست هدایت می‌کند^۴ و اگر از جانب غیر خدا می‌بود، در آن اختلاف بسیاری بود.^۵ هیچ کس نخواهد توانست سوره‌ای مانند آن بیاورد^۶ و هیچ کس نمی‌تواند در کلمات خداوند تغییری دهد و آنچه از ناحیه‌ی پروردگار بر آن حضرت وحی شده، بدون تغییر کلمه‌ای با همان الفاظ^۷ به زبان عربی فصیح بیان شده است و به فرموده‌ی علی علیه السلام: «نوری است که خاموشی ندارد، چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد، دریایی است که ژرفای آن درک نشود و معدن ایمان و اصل آن است. چشمه‌های دانش و دریا‌های علوم و سرچشمه‌ی عدالت و نهر جاری عدل و پایه‌های اسلام و ستون محکم آن است.»^۸ لهجه‌ی قرآن نیز چنان شیوا و شیرین است که «درک انسان را از زیبایی خود مبهوت و زبان را از وصف آن الکن و زبون می‌سازد.»^۹

این کتاب عظیم ریشه‌های اصلی اسلام را در سه بخش بیان نموده است:
 الف - اصول عقاید اسلامی همچون توحید، نبوت، معاد و خلقت آسمان و زمین؛
 ب - اخلاق پسندیده؛

^۱ . فصَّلَت / ۴۲ .

^۲ . اعراف / ۱۵۷ .

^۳ . نحل / ۸۹ .

^۴ . احقاف / ۳۰ .

^۵ . نساء / ۸۲ .

^۶ . بقره / ۲۳؛ یونس / ۳۸؛ اسراء / ۸۸؛ هود / ۳۸ .

^۷ . کهف / ۲۷؛ انعام / ۳۴ و ۱۱۵ .

^۸ . علی علیه السلام، نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۸۹، ص ۶۴۱ .

^۹ . سید محمد حسین طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۱۱۸ .

ج — احکام شرعیه و قوانین علمی. قرآن کریم کلیات آنها را بیان کرده و تفصیل و جزئیات آن را به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله واگذار کرده است.^۱

^۱ . ممان، ص ۱۱.

شایان توجه است هشتاد و شش سوره‌ی مکی عموماً عقاید اسلامی و اخلاق پسندیده را با اسلوب ایجاز و بیست و هشت سوره‌ی مدنی عموماً قوانین عملی را اغلب با سیاق اطناب بیان می‌کنند.^۱

۵ - گفتگوی احسن و گفتار نیکو در برخورد با مخالفان

عامل دیگر موفقیت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در هدایت مردم و تبلیغ، کلام نیکو در گفتگو، و برخورد با مشرکان و گروه‌های اهل کتاب بود. قرآن کریم مسلمانان را موظف به حسن کلام در مراوده و گفتگو با دیگران نموده است و به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.^۲؛ «به بندگانم بگو سخنی بگویند که بهترین باشد.»

و یا به مسلمانان می‌فرماید:

قُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا.^۳؛ «با مردم خوش سخن بگویند.»

خداوند برای تألیف قلوب و همدلی، رعایت ادب در گفتار و زیبا سخن گفتن در مباحثه و گفت و شنود و اقامه‌ی برهان با مخالفان و معاندان را به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گوشزد کرده است و می‌فرماید:

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْخَيْرِ وَجَادِلْهُمْ بَاتِّبِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما، و با آنها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن.»^۴

و باز قرآن کریم به مسلمانان متذکر می‌شود:

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِاتِّبِي هِيَ أَحْسَنُ؛^۵ «با اهل کتاب جز با روشی

^۱ . ممان، ص ۱۰۲.

^۲ . اسراء / ۵۳.

^۳ . بقره / ۸۳.

^۴ . نحل / ۱۲۵.

^۵ . عنکبوت / ۴۶.

نيڪو تر گفتگو نڪنيد.»

۶ - هماهنگی گفتار و کردار رسول الله صلی الله علیه و آله

یکی از شیوه‌های اخلاقی و تبلیغی رسول الله صلی الله علیه و آله برای هدایت مردم عمل به گفتارش بود. آن حضرت چنان نفس خود را تهذیب کرده بود که کردارش با گفته هایش هماهنگ شود تا مبدا مصداق این آیات گردد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟»^۱

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ «آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌کنید؟»^۲
و خود آن حضرت می‌فرمود:

«من لَمْ يَحْسُبْ كَلَامَهُ مِنْ عَمَلِهِ خَطَايَاهُ وَخَضَرَ عَذَابُهُ»؛ «کسی که گفتارش را از کردارش به شمار نیاورد، گناهانش بسیار شود و عذاب او آماده گردد.»

بدین سان روشن می‌گردد رسول الله صلی الله علیه و آله گفتارش با کردارش هماهنگ بود و مسلمانان را توصیه می‌کرد در برابر گفتار خود احساس وظیفه نمایند و بدانند که در برابر سخنان خود مسئول هستند و جدایی گفتار با عمل را موجب افزایش گناهان می‌دانست. به قول حافظ:

^۱ . صف / ۲ .

^۲ . بقره / ۴۴ .

^۳ . محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، المجلد الثالث، ص ۲۷۳۸ .

مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس

توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می کنند

۷- هدفمندی و برنامه ریزی

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از همان روزهای آغازین بعثت خود یک برنامه‌ی زمان‌بندی و هدفمند برای تخریب ضلالت و فرهنگ جاهلی، تهذیب و هدایت مردم، کادرسازی و خنثی کردن مبارزات مشرکین طرح‌ریزی کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نخست، هدف خود را برای پیروانش ترسیم کرد و سپس در

اعلان دعوت عمومی، آرمان‌های خود را روشن نمود و در ابطح به پا خاست و فرمود:

«أَنْبَى رَسُولُ اللَّهِ ادْعُوكُمْ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ وَحْدَهُ وَتَرْكِ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ الَّتِي لَا تَنْفَعُ وَلَا تَضُرُّ وَلَا تَخْلُقُ وَلَا تَرزُقُ وَلَا تُحْيِي وَلَا تُمِيتُ»^۱؛ «همانا من فرستاده خدا هستم، شما را به پرستش خدای یگانه و رها ساختن پرستش بت‌هایی که سودی نمی‌دهند و زیانی ندارند و نمی‌آفرینند و روزی نمی‌دهند و زنده نمی‌کنند و نمی‌میرانند، دعوت می‌کنم.»

به خوبی روشن است تعیین هدف از سوی آن حضرت، موجب پذیرش آرمان‌های وی می‌شد.

همان گونه که خداوند در آغاز بعثت به وی فرمود:

«بگو من مأمورم که خدای یگانه را بپرستم و شریکی برای او قایل نشوم، به سوی او دعوت می‌کنم و بازگشت من به سوی اوست.»^۲

۸- کادرسازی از نیروهای جوان

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به خوبی می‌دانست که برای یک انقلاب اعتقادی و فرهنگی و اصلاح یک جامعه‌ی جاهلی و تغییرات اجتماعی در آن، به نیروی انسانی کافی نیاز مبرم دارد بدین منظور به تربیت نیروی مورد نیاز همت گماشت.

منابع تاریخی برای ما روشن می‌کنند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بیشترین نیروی تبلیغی خود را صرف هدایت جوانان می‌کرد؛ به گونه‌ای که متوسط سن مسلمانان نخستین حدود ۳۰ سال بود. افرادی همچون امام علی علیه‌السلام، ده سال،^۳ مُصْعَب بن عُمَیر، مبلغ رسول خدا در یثرب، ۲۷ سال،^۴ جعفر بن ابی طالب، رهبر مسلمانان مهاجر به حبشه، ۲۳ سال،^۵ و ارقم بن ابی الارقم که منزل وی دار التبلیغ رسول

^۱ . یعقوبی، تاریخ، جلد اول، ص ۳۷۹.

^۲ . رعد / ۳۶.

^۳ . ابن هشام، السیرة النبویة، القسم الاول، ص ۲۴۵.

^۴ . ابن الاثیر، اسد الغابه، المجلد الرابع، ص ۳۶۹.

^۵ . ممان، المجلد الاول، ص ۲۸۹.

خدا صلی الله علیه و آله بود، ۱۸ سال داشت.^۱ چنین می نماید بیشتر مسلمانان اولیه از جوانان بودند، زیرا فرستادگان قریش به حبشه در حضور نجاشی گفتند: «گروهی از جوانان نابخرد و ابلهان قوم ما به تازگی از دین پدران ما دست کشیده و به دین تازه‌ای وارد شده‌اند.»^۲ سخن نمایندگان مکه بر ما روشن می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله تلاش گسترده‌ای را برای کادرسازی از میان جوانان آغاز کرده بود تا آینده‌ی نهضت خود را تضمین کند، زیرا آنان قدرت و توانایی بیشتری برای تلاش و کوشش در راه گسترش نهضت رسول خدا صلی الله علیه و آله داشتند و نسبت به کسانی که بافت فکری و روحی آنان با سنت‌ها و آداب و رسوم جاهلی شکل گرفته بود از استعداد بیشتری جهت پذیرش اسلام برخوردار بودند.

۹- یاری خواستن از خداوند

یکی دیگر از علل موفقیت رسول خدا صلی الله علیه و آله در دوران بعثت، یاری جستن آن حضرت از خداوند بود، زیرا شکنجه‌ها و فشارهای سخت و طاقت فرسای قریش بر یارانش و تهمت‌های گوناگونی همچون ساحری، کهانیت، جنون و شاعری که به خود آن حضرت می زدند، موانع بزرگی در ادامه‌ی راه دعوت و هدایت مردم بود. لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله با اتکا و کمک از خداوند، مشکلات و موانع را هموار می کرد و استوار و محکم به راه خود ادامه می داد؛ آن گونه که قرآن می فرماید:

قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِنَّهُ أَدْعُوا وَإِنَّهُ مَأْبُ؛ «بگو من مأمورم خدای یکتا را پرستم و هرگز به او شرک نیاورم و به سوی او دعوت کنم که بازگشت به سوی اوست.»^۳

^۱ . همان، ص ۶۰.

^۲ . ابن هشام، السیرة النبویة، القسم الاول، ص ۳۲۵.

^۳ . رعد / ۳۶.

و یا می فرماید:

قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٍ^۱؛ «بگو او خدای من است و جز آن خدایی نیست و من بر او توکل کرده‌ام و روی امیدم به سوی اوست.»
رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر طائف، هنگامی که اراذل و اوباش، به دستور سران شهر، آن حضرت را سنگباران کردند، در مناجات بلند و عارفانه‌ی خود فرمود:
«خدایا، ضعف نیرو و ناتوانی خود را به در گاهت عرضه می‌دارم، تو پروردگار مهربان و بخشنده‌ای، تو خدای ضعیفانی و تو پروردگار من هستی، مرا به چه کسی واگذار می‌کنی؟»^۲

نتیجه

از آن چه گذشت بر ما روشن می‌گردد، پس از بعثت نبوی، هنگامی که مشرکین و سران قریش حیات اجتماعی و فرهنگی خود را در خطر دیدند، از هر گونه اتهام و فشارهای سخت و شکنجه‌های طاقت فرسا نسبت به رسول الله صلی الله علیه و آله و یارانش کوتاهی نکردند و با تمام قوا باندای آزادی بخش اسلام مبارزه کردند. این موانع و مشکلات، سدّ و مانع بزرگی در پیش روی آن حضرت و اهداف عالی وی بود، ولی نتوانست از پیروزی و موفقیت رسول خدا صلی الله علیه و آله جلوگیری نماید.

در بررسی انجام گرفته، می‌توان علل موفقیت و پیروزی رسول الله صلی الله علیه و آله در دوران بعثت و نتایج پر بار آن را چنین برشمرد:

- ۱- اقدامات رسول خدا برای سالم‌سازی و تربیت نیروی راستین مدافع اسلام؛
- ۲- ارتقای سطح آگاهی و بصیرت مسلمانان نخستین؛^۳ - اخلاق و شخصیت معنوی و ظاهری رسول الله صلی الله علیه و آله؛^۴ - صبر و استقامت در برابر مشکلات و موانع؛^۵ - قرآن کریم، معجزه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله؛^۶ - گفتگوی احسن و گفتار نیکو در برخورد با مخالفان؛^۷ - هماهنگی گفتار و کردار رسول الله صلی الله علیه و آله؛

^۱ . رعد / ۳۰.

^۲ . ابن هشام، السیرة النبویة، القسم الاول، ص ۴۱۹.

۸ — هدمندی و برنامهریزی؛ ۹ — کادرسازی از نیروی جوانان؛ ۱۰ — استعانت و یاری از خداوند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: انتشارات أسوه، ۱۳۷۵ ش.
۲. ابن الاثیر، **أسد الغابه فی معرفة الصحابه**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳. ابن سعد، **الطبقات الکبری**، بیروت: دار صادر، بی تا.
۴. ابن هشام، **عبدالملک، السیرة النبویه**، تحقیق: مصطفی سقا و دیگران، مصر: مطبعه مصطفی البابی الحلبي، ۱۳۷۵ ق.
۵. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، **انساب الاشراف**، تحقیق: سهیل زگار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ۱۲۴۲ ق.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین، **قرآن در اسلام**، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰ ش.
۷. طبری، محمد بن جریر، **الرسال والملوک**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
۸. علی علیه‌السلام، **نهج البلاغه**، ترجمه و شرح: علینقی فیض الاسلام، تهران، بی تا.
۹. قتال نیشابوری، محمد بن حسن، **روضه الواعظین**، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۶ ش.
۱۰. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، قم: دار الحدیث، ۱۴۱۶ ق.
۱۱. واقدی، محمد بن عمر، **المغازی**، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. یعقوبی، ابن واضح، **تاریخ**، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش.